



پاسخ روابط عمومی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به مطلب روزنامه جوان

## دفاع مرکز بررسی‌های استراتژیک از «خودباوری ملی»

در پی انتشار گزارش «پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی» در مردادماه ۱۳۹۷ در سایت مرکز بررسی‌های استراتژیک، روزنامه و سایت جوان در مطلبی تحت عنوان «حمله به خودباوری ملی از مرکز بررسی‌های استراتژیک» به تاریخ ۴ شهریورماه ۱۳۹۷، به نقد این مطلب پرداخته است. از آنجا که این نقد حاوی تحریف و تفسیر به رأی آن گزارش است، ضرورت دارد علیرغم گذشت بیش از یک ماه از انتشار مطلب مذکور، پاسخ زیر به نحو مناسب توسط آن روزنامه منتشر شود.

نقد منتشر شده در روزنامه جوان در حالی گزارش مذکور را هجمه به انقلابی‌گری و استکبارستیزی دانسته است که اگر هسته مرکزی انقلاب و استکبارستیزی را دفاع از منافع ملت و مصالح امت بدانیم نه تنها هجمه‌ای به آن نیست بلکه کوششی در جهت تأمین هرچه بیشتر آن است. نویسنده متن در تحریفی آشکار و البته هدفمند، بیان کرده است که از منظر این گزارش:

عامل برخی نارسایی‌ها و مشکلات داخلی کشور نه کارآمدی و ناتوانی جریانات و افراد، بلکه برخی از عناصر گفتمان انقلاب اسلامی است؛ عناصری که به زعم آنها علت اصلی تحریم‌ها هستند و دست دولت‌مردان را برای خدمت به جامعه محدود کرده‌اند.

در پاسخ باید گفت که در هیچ قسمتی از گزارش، نویسندگان عامل نارسایی‌ها و مشکلات داخلی کشور را عناصر گفتمان انقلاب اسلامی معرفی نکرده‌اند؛ کافی است از طریق بررسی سخنان رهبران انقلاب و مروری بر شعارهای طرح شده در ایام پیش از انقلاب، گفتمان انقلاب اسلامی را که طبیعتاً باید از طریق بررسی این سخنان و شعارها استخراج شود شناسایی نماییم تا بدانیم هسته مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی در حقیقت همان مصالح ملی و پاسداری از آن است که دال مرکزی گفتمان طرح شده در گزارش مورد اشاره را نیز شکل می‌دهد.

اینکه گزارش علت اصلی پیدایش وضعیت کنونی را شکست حکمرانی در ایران می‌داند مطلب صحیح است؛ و استدلال‌هایی مبنی بر اثبات این ادعا در گزارش اقامه شده که نویسنده متن بدون ارائه استدلال‌هایی در رد آن اقدام به موضع‌گیری در ارتباط با آن نموده است؛ که چون در زمینه نادرست بودن استدلال ارائه شده دلیلی اقامه نشده است نمی‌توان به آن پاسخ داد و وزن آن را سنجید. در صورتی که نویسنده محترم دلایل خود را مبنی بر رد تبیین ارائه شده در گزارش عنوان نماید، نویسندگان مشتاقانه آن را خواهند شنید.

کار یک مرکز تحقیقات استراتژیک نه ترسیم تصویری خوشبینانه و نه تصویری سیاه و بدبینانه از واقعیت موجود است؛

بلکه باید در تلاش باشد تا تصویری تا حد ممکن واقع‌بینانه از واقعیت‌های موجود در جامعه ارائه داده و به سیاست‌گذاران و مقام‌های بلندپایه نظام سیاسی در شناسایی علل ریشه‌ای موثر بر پیدایش وضعیت کنونی کمک نموده و راهبردهایی معطوف به علل ریشه‌ای در جهت بهبود شرایط ارائه دهد. در این گزارش نیز تبیینی ارائه شده که ناقد محترم هیچ دلیلی مبنی بر رد آن تبیین ارائه نکرده است. نویسندگان در خوانشی سیاسی از متن و البته تحمیل نظر خود بر آن، بیان نموده است که:

نویسندگان این گزارش در اثبات مسائل مهمی تلاش می‌کنند از جمله اینکه جمهوری اسلامی ایران در وضعیتی ناپایدار و متزلزل قرار دارد.

پایداری و ناپایداری همانطور که در گزارش نیز به آن اشاره شده است بیش از آنکه مفهوم و ابزاری سیاسی باشد مفهومی پیچیده و چند بُعدی است که باید از منظر شاخص‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد؛ ناقد محترم اگر در صدد رد گزاره‌های طرح شده در گزارش است باید مبتنی بر شاخصی چند بُعدی نشان دهد که این گزاره‌ها صحیح نیستند؛ نویسندگان گزارش در صدد اثبات ناپایداری و تزلزل جمهوری اسلامی ایران نبوده‌اند بلکه مبتنی بر مجموعه شاخصی که به نظر می‌رسد نتایج آن با فهم کیفی و داده‌های کمی موجود نیز نزدیک است خطر ناپایداری را گوشزد نموده‌اند؛ خطری که نه صرفاً این گزارش بلکه در سخنان مقام‌های بلندپایه سیاسی کشور از گروه‌ها و جریان‌های مختلف بارها بر آن تاکید شده است.

بر خلاف نظر ناقد محترم، در هیچ قسمتی از گزارش عنوان نشده است که امید به آینده کشور نزدیک به صفر است و گزارش تلاشی در اثبات این ادعا نکرده است؛ اما اگر ناقد محترم در این زمینه دغدغه و نگرانی دارد کافی است نتایج آخرین نظرسنجی‌های انجام شده را مطالعه کنند تا ببینند که وضعیت امید به آینده در کشور نگران‌کننده است و روندی نزولی در سالیان گذشته طی نموده؛ روندی که آگاهی از آن و شناسایی عوامل موثر بر آن بیش از ایجاد خوشبینی و امید کاذب نسبت به آن به نظام جمهوری اسلامی در جهت اصلاحاتی برای اثرگذاری بر این روند نزولی و افزایش قدرت نرم خود کمک خواهد کرد. بستن چشم بر واقعیت‌ها و وارد کردن اتهام‌هایی واهی به افرادی که نسبت به خطرهای پیش‌رو هشدار می‌دهند اگر نگوییم اقدامی مشکوک اما بی‌گمان غیر قابل دفاع است. ناقد محترم در بخشی از متن خود نوشته است:

همانطور که اشاره شد نویسندگان این کتاب اصرار دارند در یک پاراگراف از کتاب چند بار از واژه بحران استفاده کنند و به کارگیری و تکرار چنین واژه‌ای به خودی خود این احساس را در مخاطب می‌تواند به همراه داشته باشد که بحران سراسر کشور را فراگرفته و امیدی به کشور بحران‌زده ایران نیست.

فارغ از چالش‌های مفهومی در زمینه تفاوت معنای مفاهیمی چون مساله و بحران، در شرایط کنونی نمود بحران‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی خود را نشان داده و انکار آن در شرایطی که مسئولین نیز بر آن تاکید نموده

و مردم آن را احساس می‌کنند، شبیه طنزی است که جامعه به آن خواهد خندید؛ اما ناامیدی هنگامی منتقل خواهد شد که علل ریشه‌ای پیدایش شرایط کنونی را شناسایی نکنیم یا علت اصلی را در فراسوی مرزهای کشور جستجو کنیم؛ اما این گزارش هم‌راستا با سخنان برخی بزرگان نظام که بارها و بارها تاکید کرده‌اند ریشه اصلی مشکلات کشور نه در خارج بلکه در داخل کشور است تلاش نموده از منظر خود ریشه اصلی داخلی وضعیت غیر قابل دفاع کنونی را معرفی نموده و استدلال‌هایی در جهت اثبات ادعای خود طرح نماید؛ عاملی ریشه‌ای، که اگر توافقی نسبی بر اهمیت آن ایجاد شود می‌توان استراتژی‌هایی دقیق برای برون رفت کشور از وضعیت کنونی بدون اتکا و توجه به عوامل خارجی ارائه نمود. ناقد محترم در بخشی از متن بیان کرده است که:

نویسندگان مصرند علت ناپایداری کنونی را مساوی با شکست حکمرانی در ایران عنوان کرده و آن را نیز محصول ضعف در سیستم حکمرانی و نه ضعف جریان‌های سیاسی و افراد نامگذاری کنند.

این بخش از متن بر خلاف قسمت‌های دیگر آن، به ظاهر وضعیت نامناسب کنونی را پذیرفته و در برابر تبیین ارائه شده در گزارش، ضعف افراد و جریان‌های سیاسی را علت پیدایش وضعیت نامناسب کنونی می‌داند. نویسندگان نیز معتقدند که ضعف افراد و جریان‌های سیاسی یکی از علل پیدایش وضعیت کنونی است اما این علت در زنجیره علیّی تنها در میانه زنجیر قرار گرفته است و اگر منتقد محترم از خود بپرسد که علت این ضعف چیست و آن را تا ریشه دنبال نماید به احتمال فراوان به همان عامل ریشه‌ای که در گزارش معرفی شده است خواهد رسید. در بندی که به نظر دچار مشکل ویرایشی است ناقد محترم نوشته است:

در ادامه ادعا می‌کنند که چون در ایران طرفداران پارادایم منافع امت قدرت بیشتری دارند، منابع اقتصادی و سیاسی بیشتری را صرف می‌کنند.

این بند نشان می‌دهد که منتقد در معرض کلیبی است که رسانه‌ای خارج از ایران در مورد محتوای گزارش، بنا به تفسیر خود تهیه کرده است، در هیچ جای گزارش بخش انتهایی جمله فوق نیامده است. اما بحث تقدم و تأخر امت و ملت در فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی ایران چندان جدید نیست و راه‌حل‌های میانه نیز در این جهت ارائه شده است و کسانی چون دکتر محمد جواد لاریجانی تلاش کرده‌اند تا با ارائه تز ام‌القرآ ایران را به عنوان محور امت اسلامی معرفی کرده و از این مسیر پیوند میان منافع ملی و مصالح امت را با گرایش بیشتر به منافع ملی دنبال کنند. آنگاه ناقد محترم مبتنی بر تفسیر خود از متن، بیان می‌کند که:

این همان ادعایی است که دونالد ترامپ و مایک پمپئو و رسانه‌های فارسی زبان بیگانه و برخی از رسانه‌های داخلی عنوان می‌کنند با این مضمون که یکی از علت‌های مهم فقر در ایران، پول پاشیدن نظام برای مردم سوریه، لبنان و یمن و عراق است.

طبیعی است که نویسندگان گزارش مسئولیتی در برابر تفسیر به رأی ناقد محترم و نتیجه‌ای که بر اساس این تفسیر گرفته ندارند و منتقد خود باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد. در بخش دیگری از متن که گویای عدم مطالعه دقیق گزارش و مروری سطحی بر آن جهت نگاشتن نقدی غیرمنصفانه و سیاسی است، آمده است که:

در بخش‌های دیگری از کتاب می‌خوانیم: به علت وضعیت اقتصادی نامناسب کنونی، قدرت طرفداران پارادایم امت رو به تحلیل رفتن است، این عبارت بدون کمترین استدلال و ادله‌ای مطرح می‌شود چرا که زمانی که ادعا کنیم قدرت یک کشور در حوزه‌هایی مورد تحدید و تضعیف قرار گرفته است باید دلایل متقن و قابل استنادی را ذکر کنیم و کلی‌گویی غیر قابل پذیرش است.

در این بخش منتقد گزارش بدون توجه به معنای دقیق مفاهیم طرح شده در گزارش، اصولاً تمایزی بین طرفداران پارادایم منافع امت، و قدرت کشور قائل نشده و اقدام به نتیجه‌گیری نادرست خود بواسطه عدم تمایز بین این دو مفهوم نموده است. تناقض در متن هنگامی به شدت خود را نشان می‌دهد که ناقد محترم، بیان می‌کند:

در حقیقت نویسندگان کتاب تلاش کرده‌اند تا با انتشار کتاب در زمانی که ملت ایران با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند پذیرش ادعاهای شبه علمی این کتاب را آسان‌تر و از زیر بار ارائه استدلال‌های علمی شانه خالی کنند.

در همین بخش از قضا، ناقد محترم بر نامناسب بودن شرایط اقتصادی صحنه گذارده‌است؛ نکته‌ای که در بخش‌های دیگری از متن نویسندگان را بواسطه بیان آن به سیاه‌نمایی متهم کرده است. ناقد محترم باید توجه داشته باشند که نویسندگان در این ویرایش اولیه از گزارش، تلاش خود را برای ارائه استدلال‌هایی در جهت اثبات دعاوی طرح شده در گزارش نموده‌اند و ایشان هستند که در جهت رد دعاوی طرح شده باید تلاش کنند؛ امری که کوچکترین اقدامی در جهت آن انجام نداده و صرفاً مبتنی بر تفاسیر خود، اتهام‌هایی را به نویسندگان وارد کرده‌اند. در بخش دیگری از متن که مشخص می‌شود ناقد محترم گزارش را با دقت مطالعه نکرده، آمده است:

در غیر علمی بودن گزارش مذکور همین بس که تنها برای گزاره در ایران شکست حکمرانی وجود دارد آمار و مستندات ارائه کرده آن هم از سایت موسسه لگاتوم که صحت و دقت آمارهای آن محل بحث است.

آمارهای ارائه شده در گزارش برای اثبات شکست حکمرانی در ایران دو دسته است نخست آمارهای شاخص حکمرانی موسسه لگاتوم و پژوهش دیگری که یکی از نویسندگان گزارش در رساله کارشناسی ارشد خود انجام داده است؛ بنابراین بر خلاف ادعای منتقد گزارش، برای تایید این گزاره صرفاً به گزارش موسسه لگاتوم استناد نشده است؛ که حتی اگر شده بود منتقد برای نیفتادن در دام نقدی که به گزارش وارد می‌کند و ادعای بی‌اعتباری آمارهای این مؤسسه نیاز به استناد قوی‌تری دارد. باید شاخص‌هایی را معرفی نماید که ادعاهای طرح شده در گزارش را رد کند؛ امری که نویسنده هیچگونه تلاشی در این زمینه انجام نداده است. منتقد گزارش در جعلی آشکار بیان کرده است که:

در این گزارش برای هیچ یک از ادعاهای دیگر، استدلال و مستندات ارائه نشده است به عنوان نمونه بر اساس چه آمار و ارقام عینی قابل اثبات است که منافع امت و حضور مستشاری ایران در سوریه و عراق، در تضاد با منافع ملت است؟

ایشان باید نشان دهند که در کدام بخش گزارش اصولاً به مستشاری ایران در سوریه و عراق اشاره شده است که آنگاه بخواهد تلاش کند نشان دهد این مستشاری در تضاد با منافع ملی است. از قضا این گزارش تلاشی برای ارائه تعریفی نسبتاً دقیق و تا حد ممکن قابل سنجش از منافع ملی است که بتوان بر آن اساس نسبت به دعاوی گوناگون در ارتباط با همسویی یا عدم همسویی تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی با منافع ملی قضاوت دقیق‌تری کرد. ناقد محترم بیان کرده است که:

نویسندگان طبق کدام آمارها و مستندات این ادعا را مطرح کرده‌اند که طرفداران پارادایم امت، منابع اقتصادی کلانی را در سوریه و عراق و لبنان خرج کرده‌اند و همان مخارج عامل اصلی بروز مشکلات اقتصادی کنونی است؟

هم‌راستا با پاراگراف قبل، در هیچ قسمتی از گزارش بحثی از خرج منابع اقتصادی کلان در سوریه، عراق و لبنان نشده است و منتقد تفاسیر خود را بر متن تحمیل نموده است. نویسندگان در این مورد بررسی دقیقی انجام نداده و چون به آن نپرداخته‌اند در مورد آن نیز پیش از انجام بررسی‌هایی دقیق نظری ندارند؛ اما ناقد محترم نیز حق ندارد که برداشت خود را از متن بر آن تحمیل نموده و آنگاه در صدد نقد گزارش و ایراد اتهام به نویسندگان بر اساس این برداشت ناروا باشد.

این گزارش هم‌راستا با نظرات برخی مقام‌های بلند پایه نظام سیاسی معتقد است که راه‌حل مسائل و مشکلات کنونی ایران نه در خارج از مرزها که در درون مرزهای کشور است و بر این اساس تلاش نموده تا در حد توان نسبت به شناخت عمیق‌تر علل ریشه‌ای موثر بر پیدایش وضعیت کنونی کمک کند؛ شناخت این علل که در شرایط کنونی برای ایران و نظام جمهوری اسلامی امری مهم و استراتژیک است در فضایی بی‌تنش و به دور از فضا سازی امکان‌پذیر است؛ و متهم کردن افرادی که تلاش‌هایی در این جهت می‌کنند با نگرشی سیاست‌زده و به دور از نگرشی علمی کمکی به نظام جمهوری اسلامی و منافع ملی کشور نخواهد کرد.

اگر خودباوری ملی را اعتقاد به توانایی یک ملت برای یافتن ریشه‌های اصلی مسائل و بحران‌های پیش‌روی خود و غلبه بر این مسائل و بحران‌ها از طریق اصلاح در علت‌های اصلی پیدایش وضعیت کنونی بدانیم این گزارش نه تنها حمله به خودباوری ملی نیست که کوششی امیدوارانه در جهت خودباوری ملی است.

نویسندگان، علیرغم تمامی نکات طرح شده از ناقد محترم جهت پرداختن به این گزارش و ارائه نظرات خود درباره آن سپاسگزاری می‌کنند و امید است که مجموع این تلاش‌ها در فضایی عاری از سیاست‌زدگی، اتهام‌زنی و پرخاشگری به تأمین هرچه بیشتر منافع ملی منجر شود.